



دولت چهاردهم و شیوه جدید

محمد هاشمی، فعال سیاسی اصلاح طلب در گفت‌وگو با ایسنا گفت: «در دولت‌های گذشته یعنی دولت هفتم و هشتم به بعد، هر دولتی که روی کار می‌آمد عمدتاً علیه دولت قبلی صحبت می‌کرد. اما در دولت چهاردهم از زمانی که دولت تشکیل شده است، هیچ‌گاه تعرضی به دولت قبل صورت نگرفته است.» او ادامه داد: «این یک شیوه جدید است که دولت چهاردهم پیش گرفته است. هر کس که مسئولیت می‌پذیرد باید به وظایف خود عمل کند و اگر کاستی ملاحظه می‌کند آن را جبران کند. ما در سطح کلان کشور مسئولیت تمام مشکلات را به گردن آمریکا و انگلیس می‌اندازیم، اما از دولت هفتم و هشتم به بعد، دولت‌های قبلی را شریک جرم آمریکا و غربی‌ها کرده و از آنها نیز انتقاد می‌شد. در دولت چهاردهم چنین اتفاقی رخ نداد.»



رئیس‌ی برای مهسا امینی تحت فشار بود

انسبیه خزعلی، معاون امور زنان و خانواده دولت سیزدهم در گفت‌وگو با برنامه «خیابان جمهوری» گفت: «مسئله خانم مهسا امینی ضربه نبود بلکه حادثه‌ای پیش آمد. اما اگر در کشورهای مهد آزادی چنین اتفاقی می‌افتاد واقعاً چنین سر و صدایی می‌کردند؟ این یک برنامه و توطئه بود که کاملاً هزینه کرده بودند. البته نباید کارهای خودمان را نادیده بگیریم اما نباید پاس گل بدهیم.» او با اشاره به اینکه من فقط یک زن بودم در هیئت دولت، افزود: «بعضی از اعضای دولت معتقد بودند که این روش درست نیست. اما وقتی اکثریت نظری دارند و تصمیمی گرفته می‌شود کار تیمی اقتضا می‌کند که بقیه همراهی کنند. مقابله نکنند و حداقل سکوت کنند. آقای رئیس‌ی تأکید داشت که این مسئله فرهنگی است. اما ایشان هم به شدت تحت فشار بود و افراد بسیاری که در ریاست جمهوری نقش داشتند، معتقد بودند ایشان باید سریع‌تر و ضربتی‌تر عمل کند. تعداد زیادی از مردم این را طلب داشتند و طلب مردم بود. در سفرهای آخر هر جا می‌رفت می‌گفتند چرا با مسئله حجاب با قاطعیت برخورد نمی‌شود.»

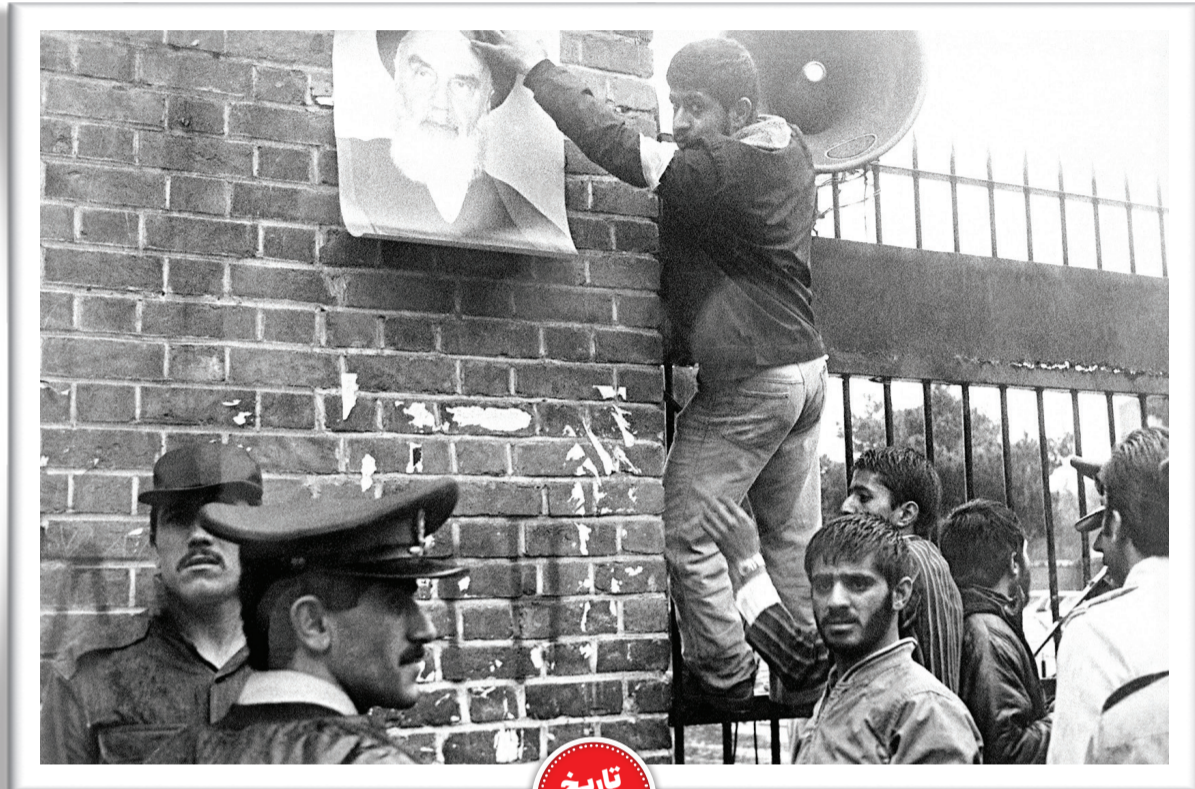
ادامه سر مقاله

در واقع، جاهایی که شخص آقای پزشک‌پس خاوسته سیاست‌وفاقی را اجرایی کند، وزرا نیز همراهی کرده‌اند و نتیجه خوب بوده؛ ولی هنگامی که وزرا جلوی نمایندگان (و نه مجلس) بیکه و تنها شده‌اند، سهم خواهی زین بار بی اثر در انتصابات سایه افکنده است زیرا وزرا به تهایی از پس تأمین مطالبات نمایندگان به صفت فردی بسر نمی‌آیند و در صورت عدم همراهی با نماینده در انتصابات، باید منتظر آن باشند که به طریق دیگری علیه وزارتخانه کارشکنی شود. این مسئله در همه استان‌ها و برای همه وزرا و مسئولین کمابیش وجود دارد. خیلی از منتقدین متوجه این نوع سهم خواهی‌های نمایندگان نیستند. عجیب‌است که صفت فردی از وقت وزرا باید صرف گفت‌وگو و شنیدن مطالبات آنان در انتصابات استانی شود؛ درحالی‌که این مسئله هیچ ربطی به آنان ندارد.

مواضع مقام‌هبری در منع دخالت نمایندگان در انتصابات روشن است که سال گذشته فرمودند: «واقعاً نمایندگان نباید در امور انتصابات دولتی دخالت کنند. یکی از مسائل مطرح در قانون اساسی، اصل تفکیک قواست؛ یعنی او (دولت) کار خودش را بکند و شما (مجلس) هم کار خود را بکنید. اگر ایرادی هم داشت مطرح کنید.» آقای رئیس‌جمهور باید صریحاً وزرا را از گفت‌وگو با نمایندگان درباره انتصابات منع کنند و اجازه ندهند که نمایندگان برخلاف نظر صریح رهبری در موضوعی دخالت کنند که مسئولیت آن با دولت و وزرا است.

یک سفارت، دو کابینه

ارزیابی عملکرد دولت‌های بازرگان و بنی صدر در قبال گرفتن سفارت آمریکا



تاریخ
سیاست

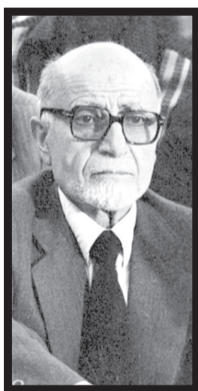


فرهاد فخرآبادی
خبرنگار گروه سیاست

پروتکل این ملاقات بود؛ چراکه باید شوروی انقلاب در جریان قرار می‌گرفت و مطالبی در آن گفته می‌شد که منافع مردم و انقلاب را تأمین می‌کرد.

به هر ترتیب، روز واقعه از راه می‌رسد و تعدادی از دانشجویان وارد سفارت آمریکا می‌شوند. هاشمی‌فسنجانی در خاطرات خود نوشته است: «واضح بود که نه شوروی انقلاب و نه دولت موقت تمایلی به چنین اقداماتی نداشتند. تحلیل‌مان این بود که با توجه به مورد مشابه قبلی، این مسئله نیز به سرعت حل و فصل خواهد شد.» اما برخلاف پیش‌بینی‌ها، این موضوع بحرانی‌تر از حرکات قبلی می‌شود و مجموعه شرایط پیرامون شاه، آمریکا و جمهوری اسلامی دست به دست هم داده تا وضعیت را بحرانی کند. ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت در مصاحبه‌ای که با دویچه وله انجام داده، درباره آن روز گفته است: «کاردار لینگن پس از اطلاع از اشغال سفارتخانه به دیدن من آمد و موضوع را خبر داد. من عصر همان روز به روال معمول به دیدار آقای [امام] خمینی در قم رفتم تا گزارش سفر الجزیره را بدهم. آقای [امام] خمینی با شنیدن اینکه سفارتخانه اشغال شده است، گفت اینها که هستند؟ زود بریزیدشان بیرون... اما نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد که روز بعد گفتند این انقلابی بود بزرگتر از انقلاب اول.»

یک روز پس از حمله به سفارت آمریکا، دولت موقت استعفای کتبی خود را تقدیم می‌کند. هاشمی‌فسنجانی در بخشی از خاطرات خود اینگونه گفته است: «تبیع نیز اعتراضات دانشجویان بعد از تصرف سفارت آمریکا، متوجه دولت موقت و مهندس بازرگان شد؛ آنها حتی مدعی شدند که در داخل سفارت به اسناد و مدارکی دست یافته‌اند که نشان می‌دهد، دولت برخلاف مسیر امام و انقلاب حرکت می‌کند. در این میان لغو قرارداد قدیمی همکاری ایران با آمریکا [که در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۳۷ منعقد شده بود]، هم نتوانست از شدت این حملات بکاهد. با طرح این مخالفت‌ها و اعتراضات در هیات دولت، آنها چاره کار را در استعفا دیدند. فکر آنها این بود که بدون اینکه مسأله را با امام در میان بگذارند، به طور دسته‌جمعی استعفای خود را اعلام کنند و امام و شوروی انقلاب را در مقابل یک کار انجام‌شده قرار دهند. آقای بازرگان، تا پیش از این تاریخ و به دلایل مختلف، دو سه بار قصد استعفا کرده بود، اما هر بار، امام با آن مخالفت کرده بودند؛ این بار نیز امام چندان راضی به پذیرش این استعفا نبودند. اما وقتی این استعفا [در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۵۸]، مکتوب شد و این احتمال قوت گرفت که هدف استعفا تحت فشار قرار دادن امام و شوروی انقلاب است، امام با این درخواست موافقت کردند.» صادق طباطبایی، هم‌درباره این موضوع گفته است: «آقای بازرگان قبل از ۱۳ آبان ۵۸، سه بار استعفا داده بود. چند هفته قبل از این ماجرا در جلسه مشترک دولت با شوروی انقلاب، آقای بازرگان، شرایط کشور را تشریح کرد... او پیشنهادش را مطرح کرد که دولت استعفا دهد و دولت شوروی انقلاب تشکیل شود تا در یک کانال از سوی افرادی که کاملاً هماهنگ و قابل اعتماد هستند، تصمیم‌گیری



مهدی بازرگان:
در مذاکراتی که صریحاً و روشن با برژینسکی مشاور ریاست‌جمهوری ایالات متحده در امور امنیت آمریکا داشتم اعلام کردم که در روز دهم آبان تظاهراتی در اعتراض به دیدار صورت گرفته پس از نماز عید قربان انجام می‌شود. سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها، یکی از برجسته‌ترین چهره‌هایی که در آن روز وارد سفارت شد، در بخشی از مصاحبه‌ای که در آذر ۵۹ با روزنامه اطلاعات انجام می‌دهد، پیرامون حمله می‌گوید: «قشرهای انقلابی به خصوص نسل جوان در ضدآمریکایی بودن انقلاب تردید پیدا کرده بودند و نسبت به حرکت در خط امام به شک افتاده بودند؛ و یکی از این موارد ملاقات مهندس بازرگان با برژینسکی بود که مردم ایران را شوکه کرده بود.» ابراهیم اصغرزاده، یکی دیگر از افرادی که در تسخیر سفارت حضور داشت، در مصاحبه‌ای که مهر ۱۳۸۷ با شهروند انجام داده بود، پیرامون تأثیر دیدار الجزایر بر حمله به سفارت آمریکا می‌گوید: «مسئله ملاقات و یا مذاکره بازرگان و برژینسکی مهم نبود و اصولاً نفس مذاکره کردن مورد اعتراض نیروهای انقلابی و خط امام قرار نگرفت؛ بلکه انتقاد آنها متوجه

شود. قرار شد این موضوع با امام در میان گذاشته شود تا در شرایط مقتضی این تصمیم اتخاذ و عملی شود. اما پس از آن بود که ماجرای تسخیر سفارت آمریکا رخ داد.»

خود بازرگان درباره استعفای خود در سخنرانی سومین سالگرد انقلاب گفته بود: «از نشانه‌های حسن نیت و تلاش صادقانه دولت موقت همین بس که وقتی دیدیم مراکز تصمیم‌گیری کشور در تضاد است و نهادها و مقاماتی که سرپرستی آنها به بعضی از آقایان واگذار شده است، ایجاد تشقت و تعارض و حداقل تأخیر و اشکال در وظایف محوله به دولت می‌نمایند، پیشنهاد و اصرار نمودیم که دوگانگی و فواصل از میان رفته، دخالت‌های مفرقه که خارج از قلمرو امام و نظارت شورای انقلاب باشد موقوف گردیده، دولت و شوروی انقلاب زیر رهبری عالی‌ه امام یک‌کاسه شوند... در اواخر مهرماه ۵۸ هشداد داده تقاضای وحدت تشکیلاتی دو ارگان اصلی یعنی دولت و شوروی انقلاب را کردیم که از طرف آقا پذیرفته شد ولی مواجه با سردی و استقبال نکرد گردیده، آقایان قبول مسئولیت اجرائی اعضا شورا را نمی‌کردند، درحالی‌که دخالت‌ها و مزاحمت‌ها ادامه داشت. به این ترتیب و قبل از حمله به سفارت آمریکا به خاطر مصلحت انقلاب و جمهوری اسلامی دولت تصمیم به استعفا گرفته بود.»

به هر ترتیب، پانزدهم آبان‌ماه استعفای دولت موقت پذیرفته می‌شود و ادامه کار به شوروی انقلاب واگذار می‌شود.

▼ **شورای انقلاب و پیشینه شروع به کار دولت اول**
روزهای پس از حمله به سفارت و به دنبال استعفای دولت موقت، نقش شوروی انقلاب پررنگ می‌شود و این شورا به صورت رسمی پایه‌ماجرای گذارد. اکبر هاشمی‌فسنجانی، در بخشی از خاطرات خود درباره روزهای ابتدایی حمله به سفارت نوشته است: «در شوروی انقلاب بحث‌های دامنه‌داری در این زمینه انجام دادیم، اما نتیجه خاصی از آن عاید نشد. در حقیقت به دلیل پیچیدگی بیش از حد موضوع و نظرات مشخص امام، امکان حصول نتیجه‌ای کامل، غیرممکن شده بود...» او در ادامه جمله‌هایی را می‌نویسد که نشان می‌دهد چالش‌هایی در همان روزهای اول بین دانشجویان و شوروی انقلاب وجود داشته است. هاشمی نوشته: «درگیر و دار فشرهای سیاسی داخلی و خارجی که بر روی شوروی انقلاب بود، انتشار اعلامیه‌ها و بیانیه‌های دانشجویان تسخیرکننده سفارت، به‌ویژه انتشار برخی اسناد محرمانه سفارت در ارتباط با اشخاص سیاسی، از جمله چند نفر از اعضای دولت موقت، موج دیگری از تنش‌های سیاسی را در داخل کشور به همراه آورد. ما درشوروی انقلاب خواستار احتیاط بیشتر دانشجویان در انتشار این اسناد بودیم؛ زیرا معتقد بودیم: نشر هر گونه استنتاج و تفسیر و تحلیل اسناد باید با رعایت همه جوانب اسلامی و در پی صدور رای دادگاه صالح صورت گیرد.»

دوران دولت اول

در ادامه مسیر، دو اتفاق مهم صورت می‌گیرد، یکی اینکه امام خمینی در نیمه‌های اسفند ۵۸ با تشکیل کمیسیون بین‌المللی تحقیق برای بررسی جنایات شاه و دخالت‌های آمریکا در ایران موافقت می‌کند اما تشکیل این کمیسیون به آغاز به کار اولین دوره مجلس (خرداد ۵۹) موکول می‌شود. هاشمی‌فسنجانی درباره این موضوع گفته است: «با گذشت چندین ماه از حادثه اشغال سفارت آمریکا، بحث چگونگی حل و فصل این مسأله، که با عدم همکاری آمریکایی‌ها و اقدامات خصمانه آنها، به صورت بن‌بستی لاینحل درآمده بود، در بین مسئولان نظام مطرح بود، تا آنجا که به مسأله تشکیل و فعالیت کمیسیون بین‌المللی تحقیق برای بررسی جنایات شاه و دخالت‌های آمریکا در ایران، که مورد نظر سازمان ملل و آمریکایی‌ها بود و در ایران نیز توسط وزارت امور خارجه پیگیری می‌شد، به عنوان یک راه‌حل نگاه می‌شد. امام هم‌زمان با این بحث‌ها، پیام مهمی [در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۵۸]، صادر کردند که در آن ضمن اشاره به جنایات شاه مخلوع و پدرش، که با حمایت و پشتیبانی دولت آمریکا انجام شده است، تشکیل این کمیسیون را مورد موافقت قرار دادند و برای نخستین بار، حل و فصل نهایی مسأله گروگان‌ها را به مجلس شورای اسلامی - که در آینده تشکیل می‌شود - سپردند. این فکر که حل و فصل مسأله گروگان‌ها به مجلس شورای اسلامی محول شود، ابتکار خود امام بود و تا آن زمان در ارتباط با این موضوع در جمع اعضای شورای انقلاب و دولت، بحث و گفت‌وگویی جدی نشده بود.»

موسوی خوئینی‌ها هم که در بطن جریان بود، در مصاحبه آبان ۵۹ خود با روزنامه اطلاعات درباره کمیسیون تشکیل شده اینگونه توضیح می‌دهد: «اصولاً فکر نمی‌کنم مجلس برخلاف خط امام تصمیم‌گیری نماید. اگر آمریکا به خواست‌های طبیعی و حقه ما جواب مثبت ندهد، هریک از گروگان‌ها محاکمه خواهند شد. این امریکاست که نشان خواهد داد مایل به حل این مسئله هست یا نه؟ من هرگز فکر نمی‌کنم مجلس شورای اسلامی گروگان‌ها را همین طوری آزاد کند. یا این که اگر آمریکا تسلیم شد مجلس تصمیم بگیرد گروگان‌ها را آزاد نکند، بهترین کار همان است که امام فرمودند: خواسته ما را بدهند تا ما گروگان‌ها را آزاد کنیم وگرنه محاکمه‌شان می‌نماییم.»

پس از موافقت امام خمینی با تشکیل این کمیسیون،